

دکترین حقوقی دست‌های پاک و تلاش رسانه‌های بین‌المللی در باز‌نمایی عدم‌پاک‌دستی جمهوری اسلامی ایران

محمد محمدی^۱، یوسف خرم فرهادی^۲، امیر هوشنگ فتحی‌زاده^۳

چکیده

دکترین «دست‌های پاک» به‌عنوان یکی از تفسیرهای قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل، ملاکی برای مشروعیت طرح دعوی در مراجع بین‌المللی است که دولت‌ها را ملزم می‌سازد تا برای بهره‌مندی از حمایت حقوقی از رفتارهای غیرقانونی پرهیز کنند. این دکترین به‌ویژه در ارزیابی مشروعیت طرح دعوی و درخواست‌های کشورهای مختلف در محاکم بین‌المللی کاربرد دارد. با این حال، در عرصه سیاست و رسانه‌های بین‌المللی، این دکترین به ابزاری تبدیل شده است که در قالب روایت‌های رسانه‌ای علیه کشورهای مختلف از جمله ایران به کار گرفته شده تا تصویری از «عدم‌پاک‌دستی» و نقض قواعد بین‌المللی از سوی آن ترسیم و سبب تشدید تحریم‌ها، خروج سرمایه‌گذاران خارجی گردد. این مطالعه با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و بررسی پرونده‌های «داوری بانک‌های ملی و صادرات ایران علیه بانک مرکزی بحرین»، «پرونده توقیف اموال بانک مرکزی ایران توسط آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری»، و پرونده‌های غیرقضایی با رویکرد سیاسی اقتصادی مانند مذاکرات برجام، افای‌تی‌اف، نشان می‌دهد که باوجود فشارهای رسانه‌ای و سیاسی، مراجع قضائی و غیرقضایی بین‌المللی در خصوص ادعای عدم‌پاک‌دستی ایران، پس از بررسی‌های لازم، چه آرای صادر کرده‌اند یا چه تأییراتی بر روند مذاکرات داشته‌اند. نتایج این پژوهش بر اهمیت درک متقابل و تعامل میان حقوق و رسانه در محیط بین‌المللی تأکید دارد و ضرورت تدوین راهبردهای هم‌افزا در دیپلماسی حقوقی و رسانه‌ای کشورها را برجسته می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: دکترین دست‌های پاک، رسانه‌های بین‌المللی، جمهوری اسلامی ایران، حقوق بین‌الملل، تحریم‌ها، داوری بین‌المللی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۸

Doi: 10.22034/imrl.2025.555428.1344

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، دامغان، ایران.

Mr.mohamad.mohamadi.1001.1985@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران

uk_farhadi@iauc.ac.ir

amirfathizadeh@gmail.com

۳. استادیار مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، ایران.



مقدمه

در نظم حقوقی بین‌الملل، مشروعیت دولت‌ها نه تنها از طریق رفتار آن‌ها در قبال قواعد بین‌المللی تعیین می‌شود، بلکه نحوه بازنمایی این رفتارها در عرصه جهانی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری برداشت‌ها از اعتبار حقوقی دولت‌ها دارد. دکترین موسوم به «دست‌های پاک»^۱ یکی از ابزارهای حقوقی است که در بستر همین مفهوم مشروع عمل می‌کند. این اصل، در ظاهر ناظر بر رفتار دولت‌ها در چارچوب موازین بین‌المللی است، اما در عمل می‌تواند به ابزاری برای سنجش میزان «قابلیت استماع» ادعاهای یک دولت در نهادهای قضایی و شبه قضایی بدل شود. در این میان، جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های گذشته همواره در معرض استنادات مستقیم و غیرمستقیم به این دکترین قرار داشته است؛ چه در سطح نهادهای بین‌المللی که به صلاحیت دعاوی ایران ایراد وارد کرده‌اند، و چه در سطح رسانه‌های بین‌المللی که با بهره‌گیری از مفاهیمی چون فساد، پول‌شویی، نقض حقوق بشر و حمایت از تروریسم، تلاش کرده‌اند تصویری از «عدم‌پاک‌دستی»^۲ ایران ارائه دهند. رسانه‌هایی نظیر بی‌بی‌سی، (ایران) اینترنشنال و برخی شبکه‌های دیجیتال پرنفوذ، با برجسته‌سازی مداوم این مضامین، عملاً به بخشی از سازوکار شکل‌دهی به افکار عمومی جهانی و حتی تأثیرگذاری بر بسترهای تصمیم‌گیری حقوقی و سیاسی در سطح بین‌الملل تبدیل شده‌اند.

از سوی دیگر، مواجهه نهادهای قضایی و داوری با دعاوی حقوقی ایران، نشان می‌دهد که تصویر رسانه‌ای همیشه با رویه حقوقی انطباق ندارد. در داوری بانک‌های ملی و صادرات علیه بانک مرکزی بحرین، به‌رغم تلاش برای القای فقدان صلاحیت و اعتبار حقوقی طرف ایرانی، مرجع داوری به نفع بانک‌های ایرانی رأی داد. هم‌چنین در پرونده توقیف اموال بانک مرکزی ایران توسط آمریکا، دیوان بین‌المللی دادگستری^۳ نه تنها به دعوی ایران ورود کرد، بلکه بخشی از استدلال‌های حقوقی آن را معتبر دانست. چنین روندی، پرسش‌هایی اساسی را پیش می‌کشد: چه نسبتی میان روایت‌های رسانه‌ای و تلقی نهادهای حقوقی بین‌المللی از پاک‌دستی ایران برقرار است؟ آیا تصویرسازی رسانه‌ای از «عدم‌پاک‌دستی» توانسته جایگاه ایران را در دعاوی حقوقی یا مذاکرات اقتصادی تضعیف کند؟ و در نهایت، تا چه حد فشارهای سیاسی، تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی علیه ایران، محصول این تصویرسازی هدفمند بوده است؟

1. Clean Hands Doctrine
2. Bad Faith
3. International Court of Justice (ICJ)



با بررسی این موضوعات، می‌توان به درک روشن‌تری از تعامل چندلایه حقوق، سیاست و رسانه در قبال جمهوری اسلامی ایران دست یافت. نگاهی که نشان می‌دهد در جهانی که حقیقت، در کنار مستندات حقوقی، در میدان روایت‌ها و بازنمایی‌ها نیز تعریف می‌شود، چگونه موفقیت یا شکست حقوقی یک دولت، ممکن است تا حد زیادی به مهارت آن در مدیریت ادراک عمومی و جهانی وابسته باشد.

پیشینه پژوهش

الف) پیشینه داخلی

زمانی و بذار (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «دکترین دست‌های پاک در حقوق بین‌الملل و بررسی تطبیقی آن با مشارکت زیان‌دیده در خسارت»، به تحلیل عمیق یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل یعنی اصل دست‌های پاک پرداخته‌اند. آن‌ها بیان می‌کنند که این اصل به‌عنوان مانعی بر سر راه طرح دعوی در محاکم بین‌المللی به کار می‌رود، در صورتی که خواهان خود مرتکب نقض قواعد حقوقی شده باشد. هم‌چنین با مقایسه این دکترین با قاعده «مشارکت زیان دیده در خسارت»^۱ که بیشتر در مرحله رسیدگی ماهوی کاربرد دارد، تلاش کرده‌اند نشان دهند که این دو قاعده، اگرچه از نظر مفهومی دارای شباهت هستند، اما در عمل تفاوت‌های حقوقی مهمی دارند. این مقاله یکی از نخستین تلاش‌های منسجم در فضای حقوقی فارسی‌زبان برای تحلیل تطبیقی این دو قاعده است.

طاهرخانی (۱۴۰۳) در پژوهش خود با عنوان «تحلیل بازنمایی رسانه‌ای از مواجهه ایالات متحده آمریکا با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۸-۱۴۰۱)» به بررسی نحوه عملکرد رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور، به‌ویژه بی‌بی‌سی فارسی و ایران اینترنشنال، در قبال برنامه هسته‌ای ایران پرداخته است. مقاله تمرکز خود را بر تحلیل محتوای تولیدشده توسط این شبکه‌ها در مورد مذاکرات هسته‌ای، تحریم‌ها و سیاست خارجی ایران گذاشته است. نویسنده استدلال می‌کند که این رسانه‌ها از طریق برجسته‌سازی تهدیدهای ناشی از برنامه هسته‌ای ایران، ناکارآمد نشان دادن دیپلماسی جمهوری اسلامی و ایجاد دوقطبی‌های داخلی، در شکل‌گیری فضای منفی بین‌المللی علیه ایران نقش ایفا کرده‌اند.

ب) پیشینه خارجی

سروانتس والارزو (۲۰۲۰)^۱ در مقاله‌ای با عنوان «دکترین «دست‌های پاک» در داوری سرمایه‌گذاری و کاربرد آن در نظام حقوقی^۲ اکوادور» به بررسی دکترین «دست‌های پاک» در داوری‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی پرداخته است. او نشان می‌دهد که این دکترین می‌تواند موجب شود هیأت‌های داوری صلاحیت رسیدگی به اختلاف میان سرمایه‌گذار و دولت میزبان را نداشته باشند، به ویژه زمانی که سرمایه‌گذاری غیرقانونی باشد یا شواهدی از فساد مانند اختلاس، رشوه یا اعمال نفوذ وجود داشته باشد. او ابتدا با استناد به رویه‌های قضایی بین‌المللی، نحوه کاربرد این دکترین در داوری‌های سرمایه‌گذاری را تحلیل کرده و نتیجه می‌گیرد که هنوز توافقی در خصوص ماهیت این دکترین و استاندارد آزمون لازم برای اعمال آن وجود ندارد. در بخش دوم، او بررسی می‌کند که آیا این دکترین می‌تواند در اختلافات قراردادهای عمومی تحت حقوق اکوادور قابل اعمال باشد یا خیر. این مقاله نمونه‌ای ارزشمند از تحلیل تطبیقی و میان‌رشته‌ای است که تعامل دکترین حقوقی با رویه داوری‌های بین‌المللی را روشن می‌سازد و می‌تواند پایه‌ای برای تحلیل نقش رسانه و گفتمان حقوقی در پرونده‌های مشابه فراهم کند.

در مطالعه‌ای مشترک، رفکار و گوئیبه^۳ (۲۰۲۱) با عنوان «ادراک فساد در رسانه‌ها و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آمریکا»، رابطه بین ادراک رسانه‌ای از فساد و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آمریکا را بررسی کرده‌اند. این مقاله با رویکردی اقتصادی-رسانه‌ای، اثرگذاری تصویر رسانه‌ای کشورها بر تصمیمات سرمایه‌گذاران خارجی، نهادهای مالی و داوری‌های بین‌المللی را تحلیل می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تصویر «عدم‌پاک‌دستی» یک کشور، حتی بدون پشتوانه حقوقی محکم، می‌تواند منجر به خروج سرمایه‌گذاران، افزایش ریسک رتبه‌بندی اقتصادی و تشدید برخوردهای حقوقی در مجامع بین‌المللی شود.

مطالعه هم‌چنین نشان می‌دهد که رسانه‌ها نقش مهمی در شکل‌دهی باورها و افکار عمومی دارند. به‌طور خاص، رسانه‌ها تأثیر زیادی بر تصور مردم درباره کشورهای خارجی دارند و دیدگاه شهروندان یک کشور نسبت به مردم و دولت‌های دیگر کشورها را شکل می‌دهند. همه انواع مطالب مرتبط با کشورهای خارجی در رسانه‌ها پوشش داده می‌شود و سرمایه‌گذارانی که قصد

-
1. Cervantes Valarezo
 2. «The “clean hands” doctrine in investment Arbitration and its applicability to the Ecuadorian legal system»
 3. Mohammad Refakar and Jean Pierre Gueyie



سرمایه‌گذاری در خارج دارند، قطعاً به گزارش‌های رسانه‌ای درباره فساد در دیگر کشورها توجه می‌کنند. از آنجا که فساد نقش مهمی در تصمیمات سرمایه‌گذاری دارد، مقاله نقش پوشش خبری فساد در «روزنامه وال استریت» بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آمریکا را بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که انتشار انبوه گزارش‌های فساد درباره یک کشور خاص در این روزنامه می‌تواند سرمایه‌گذاران را دلسرد کرده و میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آمریکا به آن کشور را کاهش دهد.

نوآوری و وجه تمایز مقاله حاضر در این است که هم‌زمان رویکرد حقوقی و رسانه‌ای را برای تحلیل دکترین «دست‌های پاک» و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری و داوری‌های بین‌المللی به کار می‌برد، در حالی که مطالعات پیشین یا بر ابعاد صرفاً حقوقی متمرکز بوده‌اند یا نقش رسانه‌ها را به شکل جزئی بررسی کرده‌اند. این تحقیق تأثیر بازنمایی رسانه‌ای از فساد و عدم‌پاک‌دستی جمهوری اسلامی ایران را بر تصمیمات سرمایه‌گذاران خارجی و روند داوری‌ها تحلیل می‌کند. هم‌چنین، مقاله با بررسی پرونده‌های واقعی بین‌المللی و نقش رسانه‌های بین‌المللی مانند بی‌بی‌سی، ارتباط میان رسانه، گفتمان حقوقی و سیاست جهانی را روشن می‌سازد و نشان می‌دهد که تصویرسازی رسانه‌ای چگونه می‌تواند به شکل‌گیری برداشت‌های حقوقی و اقتصادی منجر شود. به این ترتیب، این مطالعه با تلفیق تحلیل تطبیقی حقوق بین‌الملل، داوری و نقش رسانه‌ها، چارچوبی جامع برای فهم تعامل رسانه و دکترین «دست‌های پاک» ارائه می‌کند که در پژوهش‌های پیشین مشابه آن کمتر دیده شده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است. گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی صورت گرفته است. در گام نخست، با بررسی اسناد حقوقی و آرای قضایی (از جمله پرونده‌های دیوان بین‌المللی دادگستری و داوری‌های بانکی)، جایگاه دکترین «دست‌های پاک» در حقوق بین‌الملل تبیین شده است. در گام دوم، با رویکردی بین‌رشته‌ای، تلاش شده است تا با واکاوی محتوای رسانه‌های بین‌المللی، نحوه بازنمایی عملکرد جمهوری اسلامی ایران در پرونده‌های سیاسی-اقتصادی (مانند برجام و اف. ای. تی. اف^۱) و انتساب برچسب «عدم پاک‌دستی» به ایران، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.



۱. مبانی نظری

۱-۱. تعریف و ماهیت دکترین دست‌های پاک

در حقوق بین‌الملل، دکترین «دست‌های پاک» یکی از اصول اساسی است که بر اساس آن، هیچ دولتی حق ندارد از اعمال یا رفتارهای غیرقانونی خود برای طرح دعاوی یا استیفای حقوق در مراجع قضایی بین‌المللی استفاده کند. این اصل مبتنی بر عدالت و انصاف است و به‌عنوان ابزاری برای حفظ مشروعیت نظام حقوقی بین‌الملل شناخته می‌شود (زمانی و بذار، ۱۳۹۹: ۱۵).

ماهیت دکترین دست‌های پاک بیانگر آن است که نه‌تنها قاعده حقوقی، بلکه معیار اخلاقی و سیاسی به شمار می‌رود که بر نحوه برخورد مراجع قضایی و داوری‌ها با دعاوی بین‌المللی تأثیر می‌گذارد. این دکترین در واقع مانع سوءاستفاده دولت‌ها از نظام حقوقی بین‌الملل می‌شود و تضمین می‌کند که حقوق بین‌الملل به‌عنوان ابزاری برای عدالت و نظم بین‌المللی باقی بماند. هم‌چنین این قاعده ارتباط نزدیکی با اصل مشروعیت دارد و نشان می‌دهد که هر حکومتی که می‌خواهد در دادگاه‌های بین‌المللی ادعا کند، باید خود را در چارچوب قانون بین‌المللی حفظ کند (برزگرزاده، ۱۴۰۱: ۱۰).

۱-۲. جایگاه دکترین دست‌های پاک در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری و داوری‌ها

دکترین «دست‌های پاک» یکی از اصول سنتی حقوقی است که در حقوق بین‌الملل و داوری‌های بین‌المللی به‌عنوان ابزاری برای تضمین عدالت و جلوگیری از سوءاستفاده از نظام قضایی مطرح می‌شود. این دکترین مبتنی بر این ایده است که هیچ دولتی یا سرمایه‌گذاری نباید از اعمال غیرقانونی خود برای طرح دعاوی یا مطالبه حقوق در مراجع قضایی یا داوری بین‌المللی استفاده کند (کاسترو^۱، ۲۰۲۵). در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری، دکترین دست‌های پاک به‌طور مستقیم به‌عنوان یک اصل مستقل شناخته نشده است؛ با این حال، دیوان در برخی آرای خود به آن اشاره کرده و تأکید نموده است که ادعاهایی که مبتنی بر اقدامات ناقض حقوق بین‌الملل از سوی خواهان باشد، ممکن است با محدودیت در پذیرش صلاحیت یا حتی رد دعوی مواجه شود (دامبری^۲، ۲۰۲۰). در داوری‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی، کاربرد دکترین دست‌های پاک گسترده‌تر است و به‌ویژه در موارد مرتبط با فساد، رشوه یا نقض تعهدات بین‌المللی مورد استناد قرار می‌گیرد (سروانتس والارزو، ۲۰۱۸). داوران بررسی می‌کنند که آیا شاکی خود مرتکب رفتار

1. Castro
2. Dumbery



غیرمشروع شده است یا خیر و در صورت اثبات، ممکن است دعوی رد شود یا مراحل دادرسی متوقف گردد. با این حال، ماهیت حقوقی و دامنه این دکترین هنوز مورد اختلاف است و برخی پژوهشگران هشدار می‌دهند که استفاده سیاسی یا غیرحقوقی از آن می‌تواند عدالت را در داوری‌ها به خطر بیندازد (دامبری، ۲۰۱۶؛ یان^۱، ۲۰۲۴).

به‌طور کلی، دکترین دست‌های پاک در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری و داوری‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی، ابزاری انعطاف‌پذیر برای ارزیابی مشروعیت دعاوی است که ضمن حمایت از اصول عدالت و انصاف، امکان سوءاستفاده سیاسی را نیز محدود می‌کند. شناخت دقیق کاربرد آن برای تحلیل پرونده‌های بین‌المللی و ارزیابی تأثیر رسانه‌ها بر برداشت‌های حقوقی اهمیت ویژه‌ای دارد.

۳-۱. رابطه دکترین دست‌های پاک با اصول مشروعیت و انصاف

دکترین «دست‌های پاک» در حقوق بین‌الملل بر این مبنا استوار است که هیچ طرفی نباید در حالی که خود مرتکب رفتار غیرقانونی یا غیرمنصفانه شده، از مراجع قضایی یا داوری بین‌المللی درخواست حمایت حقوقی کند. این دکترین ریشه در مفاهیم انصاف^۲ و عدالت دارد و به‌عنوان سازوکاری برای حفظ سلامت و مشروعیت فرایندهای قضایی شناخته می‌شود (کاسترو، ۲۰۲۵). در واقع، عدالت اقتضا می‌کند که طرف دعوی در ارتباط با موضوع مورد اختلاف، رفتار منطبق با حسن نیت و قانون داشته باشد.

پیوند این دکترین با اصل مشروعیت از آن‌جا ناشی می‌شود که مشروعیت نظام حقوقی بین‌المللی وابسته به این است که دعاوی بر پایه رفتار قانونی و منصفانه طرح شوند. اگر دولت یا سرمایه‌گذاری در ایجاد وضعیت مورد اختلاف نقش غیرقانونی داشته باشد، استناد او به حقوق بین‌الملل می‌تواند از منظر اخلاقی و حقوقی مخدوش شود (باشاران، ۲۰۲۵)^۳.

در داوری‌های سرمایه‌گذاری، این ارتباط به‌صورت عملی‌تری مشاهده می‌شود. در مواردی که ادعایی مبتنی بر فساد، رشوه یا نقض قوانین داخلی کشور میزبان مطرح باشد، داوران با تکیه بر استانداردهای انصاف و رفتار منصفانه، امکان اعمال دکترین دست‌های پاک را بررسی می‌کنند (سروانتس و الارزو، ۲۰۱۸). با این حال، همچنان درباره جایگاه این دکترین به‌عنوان یک اصل

1. Yan
2. Equity
3. Basaran

مستقل حقوق بین‌الملل اختلاف نظر وجود دارد و برخی پژوهشگران نسبت به استفاده موسع یا سیاسی از آن هشدار داده‌اند (یان، ۲۰۲۴). در مجموع، دکتترین دست‌های پاک در پیوند با اصول مشروعیت و انصاف، تلاشی برای تضمین عدالت فرآیندی در حقوق بین‌الملل است و نقش مهمی در حفظ اعتبار مراجع قضایی و داوری‌های بین‌المللی ایفا می‌کند.

۴-۱. سوءاستفاده از دکتترین دست‌های پاک برای اهداف سیاسی

یکی از مباحث چالش‌برانگیز در خصوص دکتترین «دست‌های پاک» در حقوق بین‌الملل، امکان بهره‌برداری سیاسی از این اصل است. این دکتترین که ریشه در مفاهیم انصاف و عدالت دارد، در اصل برای جلوگیری از طرح دعوا توسط طرفی به کار می‌رود که خود در ایجاد وضعیت غیرقانونی نقش داشته است. با این حال، در سطح بین‌المللی، کاربرد آن همواره با ابهام و اختلاف نظر همراه بوده است. به‌ویژه در دعاوی میان دولت‌ها، استناد به این دکتترین گاه فراتر از چارچوب حقوقی رفته و به ابزاری برای تضعیف مشروعیت طرف مقابل تبدیل شده است.

باشاران (۲۰۲۵) در تحلیل خود نشان می‌دهد که دکتترین دست‌های پاک هنوز جایگاه تثبیت‌شده‌ای به‌عنوان یک قاعده مستقل و عام در حقوق بین‌الملل نیافته است و رویه قضایی بین‌المللی نیز آن را به‌صورت منسجم به رسمیت نشناخته است. به باور وی، همین عدم تثبیت هنجاری سبب شده است که برخی دولت‌ها از این دکتترین به‌عنوان ابزاری سیاسی برای بی‌اعتبارسازی ادعاهای طرف مقابل استفاده کنند، نه صرفاً به‌عنوان یک دفاع حقوقی مبتنی بر انصاف.

وی تأکید می‌کند که در نبود معیارهای دقیق برای احراز «ناپاکی دست‌ها»، استناد گسترده یا کلی به این دکتترین می‌تواند به جای تحقق عدالت، موجب سیاسی‌شدن فرایند رسیدگی و انحراف از اصول بی‌طرفی قضایی شود (همان) از این منظر، دکتترین دست‌های پاک اگر بدون تکیه بر ادله حقوقی روشن و استانداردهای اثباتی دقیق به کار گرفته شود، ممکن است به ابزاری برای فشار سیاسی یا مشروعیت‌زدایی از دولت‌ها در مراجع بین‌المللی تبدیل گردد. بنابراین، هرچند این دکتترین در پیوند با اصل انصاف شکل گرفته است، اما کاربرد نامنضبط آن می‌تواند کارکردی معکوس یافته و به جای تقویت عدالت، زمینه‌ساز سوءاستفاده سیاسی شود.

۲. رسانه‌های بین‌المللی و مهندسی ادراک از ایران

رسانه‌های بین‌المللی در عصر ارتباطات نقش مؤثری در شکل‌دهی به برداشت‌های جهانی از کشورها دارند و این تأثیر فراتر از اطلاع‌رسانی ساده است. شیوه بازنمایی اخبار، انتخاب موضوعات و چارچوب‌بندی اطلاعات می‌تواند تصویر ذهنی مخاطبان و حتی تصمیم‌گیرندگان حقوقی و سیاسی را تحت تأثیر قرار دهد. در مورد ایران، رسانه‌های برون‌مرزی با تمرکز بر برخی رویدادهای سیاسی، امنیتی و حقوق بشری، تصویری خاص از کشور ارائه می‌کنند که درک بین‌المللی از رفتار و عملکرد ایران را شکل می‌دهد (معمدی، ۱۴۰۳: ۱۸).

مطالعات انجام‌شده در حوزه بازنمایی رسانه‌ای نشان می‌دهد که رسانه‌ها با تأکید بر جنبه‌های خاصی از رویدادها و کم‌اهمیت جلوه دادن سایر اطلاعات، تصویری متمرکز و جهت‌دار ایجاد می‌کنند. این روش باعث می‌شود مخاطب خارجی برداشت مشخصی از ایران داشته باشد و مفاهیمی مانند مشروعیت، مسئولیت‌پذیری یا فساد در ذهن او تثبیت شود (معمدی، ۱۴۰۳: ۲۵). به عبارت دیگر، رسانه‌ها از طریق گزینش و چارچوب‌بندی اخبار، نه تنها اطلاعات منتقل می‌کنند بلکه دیدگاه و ارزش‌گذاری مشخصی را نیز به مخاطب ارائه می‌دهند.

بازنمایی رسانه‌ای ایران به گونه‌ای است که برخی شبکه‌های برون‌مرزی تلاش می‌کنند مسائل حقوق بشر، تحریم‌ها و سیاست‌های خارجی ایران را به شکل متمرکز و منفی نشان دهند. این فرآیند می‌تواند باعث ایجاد کلیشه‌های ذهنی و تصویری ثابت در میان مخاطبان بین‌المللی شود که حتی در شرایطی که شواهد کامل یا قطعی وجود ندارد، بر تصمیم‌گیری‌ها و تحلیل‌های سیاسی و حقوقی اثرگذار باشد (معمدی، ۱۴۰۳: ۳۰). در این راستا، رسانه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی «مهندسی ادراک»^۱ دارند و توانایی تغییر برداشت از مشروعیت و پاک‌دستی یک دولت را دارا هستند.

بنابراین، تحلیل تعامل میان رسانه‌های بین‌المللی و تصویرسازی از ایران اهمیت بالایی دارد، زیرا این بازنمایی‌ها می‌توانند نه تنها افکار عمومی جهانی بلکه فرآیندهای داوری و تصمیم‌گیری‌های سیاسی و حقوقی بین‌المللی را تحت تأثیر قرار دهند. در نهایت، درک نحوه اثرگذاری رسانه‌ها بر ادراک و قضاوت‌های حقوقی، برای مطالعه روابط بین‌الملل و سیاست‌گذاری خارجی ایران ضروری است.



۱-۲. قدرت رسانه در ساختار سیاست جهانی

از منظر ساختار سیاست جهانی، رسانه‌ها نقش واسطه‌گری میان دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، و مخاطبان جهانی را ایفا می‌کنند. آنها با کنترل جریان اطلاعات، توانایی تعیین اولویت‌ها و ختم‌شده‌های خبری را دارند و بدین ترتیب می‌توانند شکل و جهت‌گیری نگرش‌های عمومی و سیاست‌گذاران را تحت تأثیر قرار دهند. در دنیای امروز، رسانه‌های اجتماعی به یکی از مهم‌ترین ابزارهای تأثیرگذاری در سیاست جهانی تبدیل شده‌اند، به طوری که دیگر نمی‌توان فرآیندهای سیاسی و برداشت‌های عمومی در سطح بین‌الملل را بدون لحاظ تأثیر آن‌ها تبیین کرد. رسانه‌های اجتماعی امکان نشر سریع اطلاعات، تعامل مستقیم میان شهروندان و بازیگران سیاسی، و شکل‌دهی به اولویت‌های خبری را فراهم می‌آورند، که این ویژگی‌ها باعث افزایش نقش این رسانه‌ها در نظام سیاسی جهانی شده است. رسانه‌ها دیگر صرفاً اطلاعات منتقل نمی‌کنند، بلکه از طریق محتوا، الگوریتم‌ها و شبکه‌های ارتباطی قادر به جهت‌دهی ادراک عمومی و تغییر نگرش‌های سیاسی و اجتماعی هستند (سنتوسو، ۲۰۲۴: ۲۵۰).

یکی از ابعاد مهم قدرت رسانه‌ها در ساختار سیاست جهانی، توانایی آن‌ها در ایجاد و تقویت گفتمان‌های عمومی و سیاسی است. رسانه‌های اجتماعی به سیاستمداران و گروه‌های سیاسی این امکان را می‌دهند تا پیام‌های خود را بدون واسطه رسانه‌های سنتی به مخاطبان جهانی منتقل کنند، موضوعاتی را برجسته کنند که پیش‌تر دیده نمی‌شد، و روایت‌های خاصی از رویدادها بسازند که بر برداشت عمومی تأثیرگذار است (سنتوسو، ۲۰۲۴: ۲۵۲).

این ابزارها همچنین عاملی برای تغییر نقش شهروندان از مخاطب صرف به بازیگری فعال در عرصه جهانی بوده‌اند، زیرا کاربران رسانه‌های اجتماعی می‌توانند با مشارکت در بحث‌ها، بازنشر محتوا و تعامل با مطالب سیاسی مشارکت خود را در فرآیندهای سیاسی افزایش دهند. چنین مشارکتی می‌تواند بر تصمیم‌گیرندگان سیاسی فشار وارد آورد و پویایی‌های جدیدی در سیاست جهانی ایجاد کند که پیش‌تر ممکن نبود (سنتوسو، ۲۰۲۴: ۲۵۴). با وجود این مزایا، رسانه‌های اجتماعی با چالش‌هایی مانند اطلاع‌رسانی نادرست، قطبی‌سازی افکار، و کاهش اعتماد عمومی نیز روبه‌رو هستند که می‌توانند پیامدهای منفی برای دموکراسی و مشارکت سیاسی داشته باشند. در نتیجه، قدرت رسانه‌های اجتماعی در سیاست جهانی دو وجه دارد: از یک سو افزایش مشارکت و دسترسی به اطلاعات و از سوی دیگر افزایش خطرات مرتبط با دست‌کاری



ادراک عمومی و کاهش شفافیت. تحلیل صحیح این نقش‌ها برای فهم کامل ساختار سیاست جهانی امری ضروری است.

مهندسی ادراک رسانه‌ای می‌تواند برای تغییر گفتمان‌ها و سیاست‌ها به کار رود، بدون اینکه نیازی به مداخله نظامی یا فشار مستقیم وجود داشته باشد. بر این اساس، اهمیت قدرت رسانه در ساختار سیاست جهانی ناشی از ترکیب دو عامل اصلی است: اول، فراگیر شدن فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی که امکان انتشار گسترده و فوری اخبار را فراهم کرده است؛ دوم، نقش رسانه‌ها در تقویت یا تضعیف مشروعیت سیاسی و حقوقی دولت‌ها و بازیگران بین‌المللی. این دو عامل باعث شده‌اند که هرگونه تحلیل سیاست جهانی، بدون توجه به نقش و تأثیر رسانه‌ها ناقص باشد.

۲-۲. رسانه‌های بین‌المللی مانند بی‌بی‌سی، سی‌ان‌ان و... و نقش آن‌ها در شکل‌دهی به گفتمان جهانی

رسانه‌های بین‌المللی مانند بی‌بی‌سی^۱، سی‌ان‌ان^۲ و فرانس ۲۴^۳ نقش بسزایی در شکل‌دهی گفتمان جهانی و هدایت ادراک عمومی درباره کشورها ایفا می‌کنند. این رسانه‌ها با انتخاب گزینشی اخبار، برجسته‌سازی موضوعات خاص و تولید تحلیل‌های سیاسی و اقتصادی، قادرند تصویری خاص از یک کشور به مخاطبان جهانی ارائه دهند و در نتیجه بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اقتصادی و حقوقی اثر بگذارند (گنجیان و زندالدین، ۲۰۱۸: ۶۵).^۴ به ویژه سرویس فارسی بی‌بی‌سی با تولید محتوا و برنامه‌های تحلیلی، نقش مهمی در بازنمایی مسائل سیاسی ایران دارد و با برجسته‌سازی موضوعاتی مانند نقض حقوق بشر، فساد و تحریم‌ها، تصویر «عدم‌پاک‌دستی» ایران را تقویت می‌کند. این رسانه با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین پخش و شبکه‌های دیجیتال، قادر است پیام‌های خود را سریع و گسترده به مخاطبان انتقال دهد و گفتمانی شکل دهد که اهداف سیاسی و دیپلماتیک خاصی را دنبال می‌کند (تفنگ‌چی و کاظمی، ۱۳۹۶: ۷۰).

شبکه‌های خبری بین‌المللی علاوه بر پوشش اخبار روزمره، با ارائه تحلیل‌های عمیق و جهت‌دار، نقش مهندسی ادراک را ایفا می‌کنند؛ به این معنا که مخاطبان جهانی را نسبت به سیاست‌ها، اقدامات و رویدادهای یک کشور خاص جهت‌دهی می‌کنند. این فرآیند می‌تواند به

1. BBC
2. CNN
3. France 24
4. Ganjian and Zandedin

مشروعیت‌بخشی یا سلب مشروعیت از دولت‌ها در سطح بین‌المللی منجر شود و حتی اثرات ملموس بر سیاست‌های تحریمی، اقتصادی و دیپلماتیک داشته باشد. به‌عنوان مثال، گزارش‌های تحلیلی بی‌بی‌سی فارسی درباره ایران، با تمرکز بر موضوعات منفی، می‌تواند تصمیم‌گیری نهادهای بین‌المللی و افکار عمومی جهانی را تحت‌تأثیر قرار دهد (گنجیان و زندالدین، ۲۰۱۸: ۶۵).

از سوی دیگر، رسانه‌های دیجیتال مانند یوتیوب و شبکه‌های اجتماعی، به‌عنوان بسترهای مکمل، امکان انتشار سریع محتوا را فراهم می‌آورند و قدرت رسانه‌های سنتی را تقویت می‌کنند. این رسانه‌ها با تولید محتوای تعاملی و ویدئویی، گفتمان‌های یک‌جانبه و اغلب جهت‌دار را به سرعت گسترش می‌دهند و بر شکل‌دهی ادراک مخاطبان جهانی اثرگذارند (تفنگ‌چی و کاظمی، ۱۳۹۶: ۷۳). بدین ترتیب، رسانه‌های بین‌المللی نه تنها در اطلاع‌رسانی، بلکه در مهندسی ادراک و جهت‌دهی به گفتمان سیاسی و حقوقی جهانی نقش محوری دارند و می‌توانند به‌عنوان ابزاری نرم در ساختار سیاست جهانی مورد استفاده قرار گیرند.

۳. تحلیل موردی دکترین دست‌های پاک و پیامدهای حقوقی و سیاسی آن برای ایران

۳-۱. پرونده داوری بانک ملی و صادرات علیه بانک مرکزی بحرین

پرونده داوری بانک‌های ملی و صادرات ایران علیه پادشاهی بحرین^۱ یکی از نمونه‌های بارز بررسی کاربرد دکترین دست‌های پاک در دعاوی سرمایه‌گذاری بین‌المللی است. در این پرونده، بانک‌های ایرانی مدعی شدند که اقدامات بانک مرکزی بحرین در تصفیه سرمایه‌گذاری مشترک آن‌ها ناقض تعهدات مندرج در موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری دوجانبه بوده است. از سوی دیگر، بحرین در دفاع خود تلاش کرد با استناد به دکترین دست‌های پاک نشان دهد که ادعاهای ایران مبتنی بر رفتار «ناپاک» است و در نتیجه نباید رسیدگی شود (بونیتچا، ۲۰۲۵: ۱۲).

داوران داوری بین‌المللی تأکید کردند که دکترین دست‌های پاک هنوز به‌عنوان یک اصل مستقل و تثبیت‌شده در حقوق بین‌الملل شناخته نشده و نمی‌تواند به‌صورت خودکار منجر به رد دعاوی شود. برای اعمال این دکترین، شواهد مستند و معتبر حقوقی لازم است تا نشان دهد شاکی خود مرتکب نقض حقوق بین‌الملل شده است. بر اساس رأی داوری، ادعای ناپاکی ایران

1. PCA Case No. 2017
2. Bonnitca



بدون ارائه مدارک کافی، نمی‌تواند مانع از رسیدگی به دعوی مشروع کشورها شود و داوری باید مبتنی بر شواهد عینی و معیارهای حقوقی صورت گیرد.

این پرونده همچنین نشان می‌دهد که رسانه‌های بین‌المللی، مانند بی‌بی‌سی و ایران اینترنشنال^۱، می‌توانند با انتشار گزارش‌هایی درباره فساد مالی و فعالیت‌های ناپاک کشورها، بر فضای سیاسی و حقوقی پیرامون دعاوی بین‌المللی اثرگذار باشند. با این حال، رأی نهایی داوری مستقل نشان داد که نهادهای حقوقی توانایی کنترل فشارهای رسانه‌ای و تصمیم‌گیری بر اساس اصول حقوقی را دارند (بونیتچا، ۲۰۲۵: ۱۸).

بنابراین، پرونده داوری بانک‌های ملی و صادرات علیه بحرین نمونه‌ای مهم است که نشان می‌دهد دکترین دست‌های پاک باید با استناد به شواهد حقوقی دقیق و مستند به کار رود و نباید صرفاً به‌عنوان ابزار سیاسی یا رسانه‌ای مورد استفاده قرار گیرد. این رویکرد تضمین می‌کند که دعاوی بین‌المللی بر اساس اصول حقوقی و شواهد معتبر بررسی شوند و عدالت بین‌المللی حفظ گردد (بونیتچا، ۲۰۲۵: ۲۰).

۲-۳. پرونده توقیف اموال بانک مرکزی ایران توسط آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری؛ اتهام حمایت از تروریسم و پذیرش رسیدگی توسط دیوان

پرونده توقیف اموال بانک مرکزی ایران توسط آمریکا یکی از پیچیده‌ترین موضوعات حقوقی - سیاسی در روابط بین‌الملل معاصر است که به طور خاص به دکترین دست‌های پاک مرتبط می‌شود. رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده «دارایی‌های خاص ایران (جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا)»^۲ یکی از مهم‌ترین نمونه‌ها برای بررسی نحوه اعمال دکترین دست‌های پاک و تعامل آن با قوانین بین‌المللی است. در این پرونده، ایران ادعا کرد که ایالات متحده با توقیف اموال بانک مرکزی ایران و انتقال آن به دادگاه‌های ملی، حقوق بین‌المللی را نقض کرده است.

در جریان این پرونده، دیوان بین‌المللی دادگستری نخست بر اصل صلاحیت قضایی تأکید کرد و اذعان داشت که این محاکم می‌توانند به بررسی برخی از جنبه‌های دعوی ایران، به ویژه در زمینه نقض پیمان مودت ۱۹۵۵، بپردازند (کیندر، ۲۰۲۴: ۲۶۳). اما از سوی دیگر، در زمینه

1. Iran International

2. Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America)

برخی از دارایی‌های بانک مرکزی ایران که ایالات متحده آنها را تحت عنوان حمایت از تروریسم توقیف کرده بود، دیوان صلاحیت رسیدگی نداشت. این موضوع به‌عنوان تأکید بر عدم‌پذیرش ادعای آمریکا مبنی بر تروریسم در دادگاه‌های بین‌المللی مطرح شد و دیوان تصمیم گرفت که «دکترین دست‌های پاک» در این زمینه قابل اجرا نیست مگر اینکه شواهد معتبر و مستند از نقض اصول بین‌المللی از سوی ایران ارائه شود.

در این زمینه، رسانه‌های بین‌المللی، مانند بی‌بی‌سی و ایران اینترنشنال، پیش از صدور رأی نهایی، گزارش‌هایی در مورد اتهام‌های فساد مالی و نقض حقوق بشر توسط ایران منتشر کردند که ممکن است بر فضای حقوقی و سیاسی پرونده تأثیر گذاشته باشد (کیندر، ۲۰۲۴: ۲۶۷) این گزارش‌ها می‌توانند به‌عنوان «فضاسازی رسانه‌ای» در نظر گرفته شوند که ممکن است بر افکار عمومی جهانی و حتی تصمیم‌گیری‌های داوران و قضات تأثیرگذار باشد.

در نهایت، رأی دیوان به‌طور کلی نشان داد که برای استفاده از دکترین دست‌های پاک در پرونده‌های حقوقی بین‌المللی، باید مدارک و شواهد مستند از نقض قواعد بین‌المللی از سوی طرف خواهان ارائه شود و نمی‌توان از آن به‌عنوان ابزاری سیاسی یا رسانه‌ای برای رد دعوی استفاده کرد (کیندر، ۲۰۲۴: ۲۷۲). این پرونده همچنین بر اهمیت رعایت اصول عدالت و انصاف در رسیدگی‌های بین‌المللی و مقابله با فشارهای رسانه‌ای و سیاسی تأکید دارد.

لازم به بیان است، انتخاب پرونده‌های داوری بانک‌های ملی و صادرات ایران علیه بانک مرکزی بحرین و پرونده توقیف اموال بانک مرکزی ایران توسط آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان نمونه‌هایی از تأثیرات رسانه‌ها بر فرآیندهای حقوقی و داوری‌های بین‌المللی، مبتنی بر ویژگی‌های خاص این پرونده‌ها است. نخستین دلیل انتخاب این پرونده‌ها این است که آنها به‌ویژه در عرصه رسانه‌ای و حقوقی برجسته بوده و رسانه‌ها نقش مؤثری در شکل‌دهی به تصویری خاص از ایران در سطح بین‌المللی ایفا کرده‌اند. این پرونده‌ها نمونه‌هایی از چگونگی تأثیر تصاویر رسانه‌ای و گفتمان‌های جهانی بر فرآیندهای حقوقی و قضائی هستند و به همین دلیل در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته‌اند. اگرچه ممکن است سایر پرونده‌های ایران در سطح بین‌المللی نیز با همین چالش‌ها روبه‌رو باشند، انتخاب این دو پرونده به‌دلیل بار رسانه‌ای و حقوقی آنها و دسترسی به مستندات مربوط به گفتمان رسانه‌ای ایران صورت گرفته است.



بنابراین، درک نقش رسانه‌ها به‌عنوان ابزاری برای ساخت و تغییر تصویر حقوقی یک کشور در سطح بین‌المللی امری ضروری است. در این راستا، نظارت دقیق و تحلیل نحوه عملکرد رسانه‌ها می‌تواند به جلوگیری از تأثیرات منفی بر فرآیندهای داوری و تصمیمات قضائی کمک کند.

۳-۳. پرونده‌های غیرقضایی با پیامدهای سیاسی و اقتصادی

در دنیای روابط بین‌الملل معاصر، بخش قابل‌توجهی از فشارهایی که بر کشورها وارد می‌شود، لزوماً از مسیرهای قضایی یا حقوقی رسمی عبور نمی‌کند. به‌ویژه در مورد جمهوری اسلامی ایران، مجموعه‌ای از تحولات و واکنش‌ها شکل گرفته‌اند که می‌توان آن‌ها را در قالب «پرونده‌های غیرقضایی با پیامدهای سیاسی و اقتصادی» دسته‌بندی کرد. این پرونده‌ها نه بر اساس صدور حکم از سوی مراجع بین‌المللی، بلکه بر پایه فضاسازی‌های رسانه‌ای، القابات سیاسی و ترسیم چهره‌ای از «عدم‌پاک‌دستی» ایران در افکار عمومی و نظام‌های تصمیم‌گیری جهانی شکل گرفته‌اند.

در چنین فضای، دکترین «دست‌های پاک» به شکلی غیرمستقیم و از طریق ابزارهای غیرحقوقی بازتولید می‌شود. رسانه‌های بین‌المللی، مؤسسات رتبه‌بندی، نهادهای مالی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و حتی گروه‌های فشار سیاسی، با بهره‌گیری از ادبیات مرتبط با فساد، حمایت از تروریسم یا نقض حقوق بشر، زمینه خروج شرکت‌های خارجی از ایران، تضعیف جایگاه ایران در نهادهایی چون اف‌ای‌تی‌اف، و تحمیل تحریم‌های ثانویه را فراهم کرده‌اند. نمونه روشن این فرآیند، نقش رسانه‌ها در تضعیف فضای مذاکرات برجام در سال‌های اخیر است؛ جایی که رسانه‌هایی چون بی‌بی‌سی، سی‌ان‌ان و ایران اینترنشنال با تمرکز مکرر بر مسائل داخلی ایران، ادعای نقض حقوق بشر، یا ارتباط با گروه‌های منطقه‌ای، فضای گفت‌وگوهای دیپلماتیک را با بدبینی عمومی و فشارهای افکار عمومی مواجه کردند. این فضاسازی رسانه‌ای، حتی در شرایطی که ایران در چارچوب مذاکرات تمایل به همکاری نشان داده، گاه موجب شد طرف‌های غربی با اکراه وارد توافق شوند یا مطالبات جدیدی فراتر از چارچوب‌های فنی مطرح کنند. این نوع پرونده‌ها از آن رو حائز اهمیت‌اند که نشان می‌دهند چگونه حتی در غیاب حکم حقوقی رسمی، یک کشور می‌تواند با فشارهایی روبه‌رو شود که آثار واقعی و تعیین‌کننده‌ای در حوزه سیاست، اقتصاد و امنیت ملی دارند. برخی از پیامدهای این وضعیت عبارتند از: خروج شرکت‌های خارجی از ایران، ناکامی در روند مذاکرات اف‌ای‌تی‌اف، استفاده از گفتمان رسانه‌ای برای توجیه تحریم‌های ثانویه، و اثرگذاری رسانه‌ها بر مذاکرات برجام.



۴. تنازع حقوق و رسانه در مواجهه با ایران: چالش‌ها و تأثیرات

۴-۱. رسانه به‌مثابه سلاح نرم در ساختن تصویر حقوقی از دولت‌ها

رسانه‌ها در دنیای معاصر به ابزاری حیاتی برای شکل‌دهی به افکار عمومی و سیاست‌های بین‌المللی تبدیل شده‌اند. این رسانه‌ها می‌توانند به‌عنوان ابزار جنگ نرم، نه تنها در اطلاع‌رسانی، بلکه در جهت‌دهی به ادراکات عمومی و ساخت تصویر حقوقی از دولت‌ها به‌ویژه در سطح بین‌المللی نقش مؤثری ایفا کنند. رسانه‌های بین‌المللی، به‌ویژه رسانه‌های غربی، از طریق انتخاب گزینشی رویدادها، نحوه برجسته‌سازی مسائل خاص، و پوشش خبری جهت‌دار، قادرند تصویری خاص از کشورها بسازند که ممکن است بر تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی و حتی در روندهای حقوقی تأثیر بگذارد. یکی از جنبه‌های مهم این فرآیند، تأثیر رسانه‌ها بر شکل‌دهی به تصویر حقوقی یک کشور است. در مواجهه با ایران، رسانه‌های بین‌المللی می‌توانند از طریق پوشش خبری مبنی بر مفاهیم خاص مانند نقض حقوق بشر، فساد دولتی یا حمایت از گروه‌های تروریستی، تصویری منفی از ایران در سطح جهانی ایجاد کنند. این تصویر منفی می‌تواند بر نحوه برخورد مراجع بین‌المللی با دعوی حقوقی علیه ایران تأثیر بگذارد و باعث تقویت فشارهای سیاسی، اقتصادی و حقوقی علیه کشور شود. در حقیقت، رسانه‌ها از طریق ایجاد و تقویت گفتمان‌های خاص، به‌ویژه در موضوعاتی همچون تحریم‌ها یا پرونده‌های حقوق بشری، می‌توانند ابزارهای جدیدی برای اعمال فشار به دولت‌ها فراهم کنند.

در این راستا، یکی از نکات مهم که باید مورد توجه قرار گیرد، قدرت رسانه‌ها در تأثیرگذاری بر روندهای حقوقی است. رسانه‌ها می‌توانند با تقویت یا تضعیف تصویری خاص، زمینه‌ساز فشارهای سیاسی یا حتی پذیرش دعوی غیرمشروع در مراجع قضایی بین‌المللی شوند. به‌طور مثال، پوشش گسترده رسانه‌ای در رابطه با اتهاماتی مانند نقض حقوق بشر یا فساد مالی، می‌تواند زمینه‌ساز تقویت ادعاهای طرف‌های مقابل در پرونده‌های حقوقی بین‌المللی شود، حتی اگر این اتهامات فاقد شواهد مستند باشند (قربی، ۱۳۹۰).

در تحلیل‌های مربوط به پرونده‌های حقوقی بین‌المللی ایران، به‌ویژه در زمینه‌های مربوط به تحریم‌ها یا ادعاهای حمایت از تروریسم، رسانه‌ها به‌عنوان ابزار مؤثر در شکل‌دهی به افکار عمومی و فشار به مراجع بین‌المللی شناخته می‌شوند. برای مثال، رسانه‌هایی مانند بی‌بی‌سی و ایران اینترنشنال به‌طور مکرر روایت‌هایی از وضعیت حقوق بشر در ایران و اتهاماتی نظیر فساد دولتی منتشر کرده‌اند که این مسائل می‌تواند بر فرآیندهای حقوقی و دیپلماتیک ایران تأثیرگذار



باشد. این رسانه‌ها با برجسته‌سازی برخی از موضوعات خاص می‌توانند فشارهای سیاسی و حقوقی زیادی به ایران وارد کنند.

در مقابل، ایران برای مقابله با این فشارها، باید توانمندی‌های دیپلماتیک و رسانه‌ای خود را به‌طور مؤثری تقویت کند. استفاده از رسانه‌های داخلی و شبکه‌های اجتماعی برای ارائه روایت‌های واقعی از وضعیت داخلی کشور و واکنش به ادعاهای نادرست می‌تواند به مقابله با فشارهای رسانه‌ای بین‌المللی کمک کند. در این میان، قدرت نرم که از طریق رسانه‌ها و دیپلماسی عمومی اعمال می‌شود، اهمیت زیادی پیدا می‌کند و می‌تواند در برابر تهدیدات رسانه‌ای، پاسخ‌های مؤثری ارائه دهد (قربی، ۱۳۹۰).

۲-۴. تولید گفتمان فساد، تروریسم و نقض حقوق بشر در ایران

در فضای رسانه‌ای امروز، رسانه‌های بین‌المللی با بهره‌گیری از گفتمان‌سازی و چهارچوب‌سازی معنایی قادرند معانی خاصی را درباره رویدادها و کشورها منتقل کنند؛ این فرآیند از طریق انتخاب واژگان، برجسته‌سازی موضوعات و حذف یا کم‌رنگ کردن دیگر اطلاعات صورت می‌گیرد. به‌طور خاص، بازنمایی ایران در رسانه‌های غربی غالباً همراه با چارچوب‌های تشدیدکننده تعارض و تقابل است که ایران را به‌عنوان بازیگری حقوق‌نابخشی چون نقض‌کننده حقوق بشر یا حامی گروه‌های خشونت‌گر به تصویر می‌کشد. تحلیل گفتمان رسانه‌ای شبکه‌های مهم جهانی مانند بی‌بی‌سی، سی‌ان‌ان و گاردین^۱ نشان داده که زبان و ساختارهای خبری می‌توانند روایت خاصی بسازند که مخاطب را به سمت نمونه‌های منفی و تهدیدآمیز از کشورها سوق دهد، حتی اگر این روایت‌ها فاقد تحلیل جامع و بی‌طرفانه باشند.

این نوع بازنمایی رسانه‌ای، زمانی که با مسائل پیچیده‌ای همچون نقض حقوق بشر، فساد اداری یا ادعاهای حمایت از تروریسم پیوند می‌خورد، به‌سرعت می‌تواند در سطح جهانی به یک گفتمان غالب تبدیل شود. رسانه‌ها با برجسته‌سازی نمونه‌های خاص و بزک کردن آن‌ها در قالب‌های تکرارشونده، این گفتمان‌ها را قابل‌پذیرش برای مخاطبان و سیاست‌گذاران بین‌المللی می‌کنند. از سوی دیگر، تحلیل گفتمان رسانه‌ای نشان می‌دهد که این چهارچوب‌سازی‌ها معمولاً در خدمت منافع سیاسی و امنیتی کشورهای نشردهنده اخبار قرار می‌گیرند و هدفشان ساخت

تصویر حقوقی و امنیتی خاص از کشورهای مثل ایران است که تأثیرات جدی در تصمیم‌گیری‌های حقوقی و سیاسی بین‌المللی دارد (تفنگ‌چی، ۱۳۹۶: ۱۲).

در نتیجه، گفتمان رسانه‌ای^۱ که با تمرکز بر ادعاهای فساد، تروریسم و نقض حقوق بشر ایجاد می‌شود، نه تنها اتمسفری منفی درباره ایران می‌سازد، بلکه می‌تواند پیامدهای حقوقی و سیاسی واقعی نیز داشته باشد، زیرا این گفتمان‌ها در معماری ادراک بین‌المللی و حتی تصمیم‌سازی‌های حقوقی و تحریمی مؤثر هستند. ضرورت دارد تحلیل‌های رسانه‌ای دقیق و متوازن‌تری در عرصه علمی و رسانه‌های رسمی کشور صورت گیرد تا تصویر واقعی‌تری از رخدادها ارائه شود و از تولید گفتمان‌های یک‌جانبه جلوگیری گردد.

۳-۴. تأثیرپذیری داوری‌ها، دادگاه و نهادهای بین‌المللی از فضاهای رسانه‌ای

از آنجا که بسیاری از داوری‌ها و پرونده‌های قضائی در سطح بین‌المللی به‌ویژه در محاکم بین‌المللی، مبتنی بر تصور عموم و ارزیابی‌های جامعه جهانی از یک کشور یا طرف متنازع است، رسانه‌ها به‌طور غیرمستقیم در شکل‌دهی به این تصورات نقش ایفا می‌کنند. در سال‌های اخیر تحقیقات علمی متعددی نشان داده‌اند که فضاهای رسانه‌ای و افکار عمومی می‌توانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر روندها و تصمیمات داوری‌ها، دادگاه‌ها و نهادهای بین‌المللی تأثیر بگذارند. یکی از نمونه‌های مهم در این حوزه تحلیل رابطه رسانه، افکار عمومی و عملکرد دیوان کیفری بین‌المللی^۲ در زمینه جنگ روسیه و اوکراین است. مطالعه‌ای که بررسی می‌کند چگونه رسانه‌ها با ایجاد چارچوب‌های خبری مشخص، توجه جهانی را به موضوع «جرائم جنگی» معطوف کردند، نشان می‌دهد رسانه‌ها توانسته‌اند از طریق ایجاد «اثر قابل‌دستیابی»^۳ و «اثر کاربردی»^۴ زمینه‌ساز توجه دیوان‌ها به پرونده‌های خاص شوند، به‌گونه‌ای که رسانه‌ها با ارائه گزارش‌های مکرر و چارچوب‌بندی‌های خبری این موضوعات را در مرکز توجه افکار عمومی و سپس نهادهای حقوقی قرار داده‌اند (سلواراجا و فیوریتو، ۲۰۲۳).^۵ این تحقیق بیان می‌کند که رسانه‌های بین‌المللی با گفتمان‌سازی و انتخاب محوری موضوعاتی مانند نقض حقوق بشر و جرائم جنگی، به تدریج ادراک عمومی را از یک رویداد به نحوی شکل می‌دهند که قوانین بین‌الملل و دیوان‌ها را به واکنش وامی‌دارد؛ به‌عنوان مثال، پوشش مکرر رسانه‌ای باعث شد که

1. Media Discourse

2. ICC

3. Accessibility Effect

4. Applicability Effect

5. Selvarajah Fiorito



بررسی ادعاهای جرایم جنگی در اوکراین در روزهای اولیه جنگ به یکی از موضوعات بحث‌برانگیز برای دیوان کیفری بین‌المللی تبدیل شود.

علاوه بر این، پژوهش‌های دیگر نشان داده‌اند که رابطه میان رسانه، افکار عمومی و دادگاه‌ها پیچیده و دوطرفه است. در مقاله‌ای دیگر که بر تصمیم‌سازی قضات در دادگاه‌های قانون اساسی تمرکز دارد، روشن شده است که رسانه‌ها و افکار عمومی نه تنها می‌توانند فضا و فشار اجتماعی ایجاد کنند، بلکه برخی قضات نیز ممکن است به‌صورت آگاهانه یا غیرآگاهانه خود را در معرض این فشارها قرار دهند و حتی استراتژی‌هایی برای تعامل با رسانه‌ها در جهت تقویت مشروعیت خود به کار ببندند (سمکال و بناک، ۲۰۲۳).^۱

در سطح نهادهای بین‌المللی، این تأثیر رسانه‌ای هنگامی برجسته می‌شود که پرونده‌ها تبدیل به موضوع عمومی گسترده می‌شوند. فضاهای رسانه‌ای جهانی توانسته‌اند با برجسته‌سازی یا حتی جهت‌دهی خاص در کنار افکار عمومی، احتمالاً تصمیم‌سازی در دیوان‌ها و نهادهای حقوقی را تغییر دهند؛ نه از طریق تغییر مستقیم حکم حقوقی، بلکه با ایجاد بستر اجتماعی برای پذیرش یا تقویت موضوعات خاص در سطح جهانی.

به طور خلاصه، تأثیر رسانه‌ها بر داوری‌ها و نهادهای بین‌المللی نه فقط در قالب انتشار اخبار، بلکه در قالب شکل‌دهی گفتمان، تأثیرگذاری بر افکار عمومی و در نهایت ایجاد فشار اجتماعی برای توجه به موضوعات حقوقی خاص نمود پیدا می‌کند، که در شرایط حساس بین‌المللی می‌تواند پیامدهای حقوقی قابل‌توجهی داشته باشد.

۴-۴. تمایز بین رسانه‌های مستقل و وابسته به دولت‌های غربی

رسانه‌های وابسته به دولت‌ها به‌ویژه در کشورهای مختلف با ساختارهای سیاسی خاص، معمولاً تحت کنترل مستقیم یا غیرمستقیم دولت‌ها هستند و این کنترل به‌طور آشکاری بر محتوای رسانه‌ای تأثیر می‌گذارد. یکی از ویژگی‌های اصلی این رسانه‌ها این است که آن‌ها در مقایسه با رسانه‌های مستقل، بیشتر بر رویدادهایی تمرکز دارند که منافع سیاسی و ایدئولوژیک دولت‌ها را تقویت کند. در چنین شرایطی، رسانه‌های دولتی به ابزاری برای تقویت گفتمان‌های حکومتی^۲ و بازتاب دیدگاه‌های دولت‌ها تبدیل می‌شوند (دراگومیر^۳، ۲۰۲۱: ۵).

1. Smekal, Benák
2. Governmental Discourses
3. Dragomir

رسانه‌های دولتی و وابسته به دولت‌ها غالباً تلاش می‌کنند تا روایاتی را که به نفع منافع ملی خود است، ترویج دهند. در مورد ایران، برخی از رسانه‌های بین‌المللی که تحت کنترل دولت‌های غربی قرار دارند، به‌ویژه در مقاطع بحرانی بین‌المللی، تصویری منفی از ایران به نمایش می‌گذارند. این رسانه‌ها تمایل دارند که تمرکز خود را بر مسائل خاصی مانند نقض حقوق بشر، فساد و حمایت از گروه‌های سیاسی خاص در منطقه بگذارند تا به گفتمان‌های سیاسی و امنیتی غربی خدمت کنند.

رسانه‌های دولتی می‌توانند ابزارهایی قدرتمند برای شکل‌دهی به افکار عمومی باشند، چراکه از آن‌ها برای ایجاد گفتمان‌های خاص و هدایت تأثیرات بین‌المللی استفاده می‌شود. در این بین، رسانه‌های غربی مانند بی‌بی‌سی فارسی و سایر شبکه‌های خبری مرتبط با دولت‌های غربی از این ابزارها برای بازنمایی ایران به‌عنوان تهدیدی جهانی بهره می‌برند. این رسانه‌ها غالباً به پوشش اخبار مرتبط با تحریم‌ها، نقض حقوق بشر و فعالیت‌های سیاسی ایران در سطح بین‌المللی می‌پردازند و رویکردی انتقادی نسبت به ایران اتخاذ می‌کنند.

در مقایسه با رسانه‌های دولتی، رسانه‌های مستقل به‌ویژه آن‌هایی که به‌دور از ملاحظات دولتی و سیاسی عمل می‌کنند، می‌توانند نقش مهمی در ارائه تحلیل‌های بی‌طرفانه و مبتنی بر شواهد ایفا کنند. چنین رسانه‌هایی می‌توانند جایگاه خود را به‌عنوان نهادهای ناظر و مستقل حفظ کنند و تلاش نمایند تا اطلاعات و اخبار را از منابع مختلف و بدون جهت‌گیری‌های سیاسی گزارش کنند (دراگومیر، ۲۰۲۱: ۸).

از سوی دیگر، رسانه‌های وابسته به دولت‌ها معمولاً تحت تأثیر مستقیم دستورهای دولتی عمل می‌کنند و این امر می‌تواند منجر به تحریف اطلاعات و بازنمایی نادرست از رویدادهای سیاسی و بین‌المللی شود. این رسانه‌ها ممکن است حتی به‌طور سیستماتیک از برخی منابع اطلاعاتی خاص استفاده کنند که با اهداف و منافع دولت‌ها هم‌راستا باشد و بر این اساس، روایت‌های خبری خود را بسازند.

۴-۵. تأثیرات کاستی‌ها و قصورهای داخلی در تصویرسازی نادرست

کاستی‌ها و قصورهای داخلی، از جمله فساد، عدم شفافیت و ناکامی در پیاده‌سازی اصلاحات حقوقی، می‌توانند به شکل‌گیری تصویری منفی از یک کشور در جامعه بین‌المللی منجر شوند. در بسیاری از مواقع، ضعف در پاسخگویی به مطالبات اجتماعی و حقوقی، یا عدم اتخاذ تدابیر مؤثر



برای مقابله با فساد و ارتقای شفافیت در نهادهای دولتی، می‌تواند به‌عنوان مبنای اصلی اتهامات رسانه‌ای علیه یک کشور قرار گیرد. رسانه‌های بین‌المللی، با تکیه بر چنین ضعف‌هایی، می‌توانند تصویری منفی از یک کشور به ویژه در مواردی چون نقض حقوق بشر، فساد دولتی، یا عدم رعایت استانداردهای بین‌المللی بسازند. برای مثال، در خصوص ایران، ضعف در برخی عرصه‌های حقوقی و عدم شفافیت در روندهای حکومتی و اجرایی، زمینه‌ساز اتهاماتی بوده که رسانه‌های غربی علیه این کشور مطرح کرده‌اند. رسانه‌ها به‌ویژه از فساد اقتصادی و نقض حقوق بشر به‌عنوان محورهای اصلی انتقاد از جمهوری اسلامی استفاده کرده‌اند. این اتهامات، اگرچه در بسیاری از مواقع بدون پشتوانه‌های حقوقی و مستندات معتبر هستند، اما به‌واسطه عدم پاسخگویی مناسب و سریع از سوی دولت، به واقعیت‌های عمومی تبدیل می‌شوند و تأثیرات منفی زیادی در روابط بین‌المللی به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی و حقوقی دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

دکترین دست‌های پاک، مفهومی است که در حقوق بین‌الملل و در روابط دیپلماتیک و اقتصادی کشورهای مختلف نقش حیاتی ایفا می‌کند. این دکترین، که هدف اصلی آن تقویت شفافیت و مشروعیت دولت‌ها در عرصه بین‌المللی است، از سوی بازیگران مختلف جهانی به ابزاری تبدیل شده که نه تنها در چارچوب‌های قضائی، بلکه در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی نیز کاربرد دارد. در این میان، رسانه‌های بین‌المللی به‌عنوان عامل مؤثر در ساخت و بازسازی تصویر عمومی و حقوقی کشورها، به‌ویژه در مواردی همچون ایران، تأثیرات عمیقی بر شکل‌گیری ادراک جهانی از «پاک‌دستی» یا «فساد» دارند. از آنجا که رسانه‌ها بدون نیاز به حکم یا تأیید یک مرجع قضائی رسمی، می‌توانند فرآیندهایی مانند تحریم‌ها، انزوای اقتصادی، و حتی فشارهای سیاسی را به نفع یا ضرر یک کشور هدایت کنند، جایگاه آنان در دکترین دست‌های پاک به‌ویژه در مورد ایران قابل توجه است.

مبحث رسانه‌ها به‌ویژه در زمینه ایران به این دلیل حساس است که این کشور تحت فشارهای رسانه‌ای و گفتمان‌های جهانی بسیار زیادی در عرصه حقوق بشر، تروریسم، فساد و نقض قواعد بین‌المللی قرار دارد. رسانه‌ها، از جمله شبکه‌های برجسته‌ای همچون بی‌بی‌سی، سی‌ان‌ان و ایران اینترنشنال، از طریق انتشار مستمر گزارش‌هایی که ایران را به نقض حقوق

بشر، حمایت از تروریسم و فساد دولتی متهم می‌کنند، تصویری منفی از آن کشور در جامعه جهانی می‌سازند.

تصویر حقوقی یک کشور در عرصه بین‌المللی به‌ویژه در مواجهه با اتهامات مختلف، تأثیرات عمیقی بر سیاست‌های جهانی و روابط بین‌المللی دارد. رسانه‌ها نقش اساسی در ساخت این تصویر ایفا می‌کنند، به‌ویژه هنگامی که کشورها با اتهاماتی نظیر نقض حقوق بشر، فساد دولتی یا حمایت از تروریسم مواجه می‌شوند. در مورد ایران نیز همان‌طور که بیان شد، رسانه‌های بین‌المللی به‌ویژه در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند تصویری منفی از این کشور بسازند که در زمینه‌های مختلف، از حقوق بشر گرفته تا فساد اداری و سیاست‌های منطقه‌ای، تأثیرات منفی زیادی به همراه داشته است.

با این حال، در حالی که این روایت‌ها عمده‌تاً تحت تأثیر اطلاعات ناقص یا جهت‌دار شکل می‌گیرند، کاستی‌های داخلی نیز در تشدید این تصویر منفی مؤثر بوده‌اند. ضعف در مقابله با فساد اقتصادی، عدم شفافیت در فرآیندهای حکومتی و نقض برخی از حقوق شهروندی می‌تواند زمینه‌ساز اتهاماتی شود که از سوی رسانه‌ها علیه ایران مطرح می‌شود. در مواجهه با این چالش‌ها، ضروری است که ایران اصلاحات ساختاری در حوزه‌های حقوق بشر، شفافیت اقتصادی و مقابله با فساد را در دستور کار قرار دهد. این اصلاحات نه‌تنها موجب بهبود وضعیت داخلی کشور خواهد شد، بلکه تصویر ایران را در سطح بین‌المللی بهبود خواهد بخشید و از فشارهای رسانه‌ای علیه کشور کاسته خواهد شد.

در همین راستا، ایران می‌تواند از تجربیات مثبت خود در برخی پرونده‌های حقوقی بین‌المللی استفاده کند. برای مثال، در پرونده‌های مختلف حقوقی در دادگاه‌های بین‌المللی، مانند پرونده توقیف اموال بانک مرکزی ایران علیه ایالات متحده آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری، شاهد آن بودیم به‌رغم ادعای آمریکا بر عدم‌پاکدستی ایران و فضاسازی رسانه‌های خارجی، دیوان بر اساس مستندات حقوقی ارائه شده از سوی ایران در ابتدا رأی به صلاحیت خود جهت رسیدگی به موضوع داد و در ادامه بدون توجه به ادعاهای بی‌اساس ایالات متحده آمریکا، اقدام به رسیدگی ماهیتی پرونده نمود و در برخی از موضوعات رأی به نفع ایران صادر نمود یا در پرونده دآوری بانک‌های ملی و صادرات ایران علیه بانک مرکزی بحرین، علی‌رغم ادعای بانک بحرینی مبنی بر آلوده بودن دست‌های بانک‌های ایرانی، دیوان دآوری بر اساس مستندات و ادله‌های ارائه شده از سوی بانک‌های ایرانی، رأی به نفع آنان صادر نمود و بیش از ۲۰۰ میلیون



دلار بانک مرکزی بحرین را محکوم نمود. این مسائل نشان می‌دهند که برخلاف برخی تصورات منفی رسانه‌ای، سیستم‌های حقوقی بین‌المللی توانسته‌اند به‌طور مستقل و بی‌طرفانه، بر اساس شواهد و قواعد به تصمیم‌گیری‌های خود پرداخته و در نهایت حقوق ایران را به رسمیت بشناسند. به‌طور خاص، در حوزه دکترین دست‌های پاک، ایران باید تلاش کند که تصویر منفی ساخته‌شده از خود را اصلاح کرده و در برابر اتهامات مختلف، با استفاده از روندهای قانونی و دیپلماتیک به دفاع از حقوق خود بپردازد. برای این منظور، ایران باید در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی و داوری‌های حقوقی، با مستندات قوی و شواهد قانونی، هرگونه اتهام سیاسی یا رسانه‌ای علیه خود را به چالش کشیده و این امر می‌تواند با تقویت روابط بین‌المللی و استفاده از ظرفیت‌های نهادهای حقوقی جهانی نظیر دیوان بین‌المللی دادگستری و سازمان‌های جهانی مرتبط، تحقق یابد.

در نهایت، برای مقابله با تأثیرات منفی دکترین «دست‌های پاک» و چالش‌های ناشی از فضا سازی‌های رسانه‌ای، ایران باید به تقویت دیپلماسی عمومی، استفاده از فناوری‌های نوین و بهبود شفافیت داخلی پرداخته و از ظرفیت‌های حقوقی و رسانه‌ای برای برندسازی و دفاع از حقوق خود بهره‌برداری کند. به‌ویژه، اصلاحات داخلی و افزایش پاسخگویی به انتقادات بین‌المللی می‌تواند به کاهش فشارهای خارجی و بهبود تصویر حقوقی ایران در سطح جهانی کمک کند.

پیشنهاد‌های کاربردی - رسانه‌ای

برای مقابله مؤثر با تأثیرات منفی دکترین «دست‌های پاک» و چالش‌های ناشی از فضای رسانه‌ای بین‌المللی، جمهوری اسلامی ایران نیازمند اتخاذ یک رویکرد جامع و متوازن در عرصه‌های دیپلماتیک، حقوقی، رسانه‌ای و اجتماعی است. با توجه به پیچیدگی‌های موجود در روابط بین‌المللی و تأثیرات گسترده رسانه‌ها در شکل‌دهی به سیاست‌های جهانی، راهکارهای زیر می‌تواند به تقویت موقعیت حقوقی و بهبود تصویر جهانی ایران کمک کند:

۱- تقویت دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای با رویکردی واقع‌گرایانه

ایران باید با توجه به نیاز به تقویت تصویر خود در سطح بین‌المللی، رسانه‌های داخلی مستقل را به استانداردهای جهانی ارتقاء دهد. رسانه‌هایی که علاوه بر تولید محتوای دقیق و بی‌طرفانه، توان مقابله با اتهامات رسانه‌ای علیه کشور را داشته باشند.

۲- آموزش دیپلمات‌ها در حوزه مدیریت رسانه‌ای و بحران‌های مرتبط با آن

دیپلمات‌ها باید به‌طور خاص در زمینه مدیریت بحران‌های رسانه‌ای و برندسازی حقوقی کشور آموزش ببینند. افزایش توانمندی دیپلمات‌ها در برخورد با انتقادات رسانه‌ای و دفاع از منافع ملی در سطح بین‌المللی می‌تواند به تقویت موضع ایران در مقابل حملات رسانه‌ای و سیاسی کمک کند.

۳- استفاده بهینه از فناوری‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی

پلتفرم‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی بستر مناسبی برای مقابله با تصورات غلط و پاسخ‌گویی به انتقادات رسانه‌ای به‌ویژه در سطح جهانی فراهم می‌آورند. ایران باید با تولید محتوای خلاقانه و جذاب دیجیتال، اعم از مستندها، گزارش‌های تحقیقی و ویدئوهای اطلاع‌رسانی، تصویری شفاف و دقیق از فعالیت‌های خود ارائه دهد و از این ظرفیت‌ها برای تعامل مستقیم با افکار عمومی جهانی استفاده کند. علاوه بر این، گسترش همکاری‌ها با نهادهای رسانه‌ای بین‌المللی و فعالان رسانه‌ای مستقل می‌تواند به تقویت موقعیت حقوقی ایران و تضعیف روایت‌های منفی کمک کند. به‌ویژه در زمینه پاسخگویی به اتهامات رسانه‌ای، ایران باید از راهبردهای برندسازی دیجیتال برای برندسازی مثبت در عرصه جهانی بهره‌برداری کند تا به‌طور مؤثر با پوشش‌های نادرست رسانه‌ای مقابله نماید و تصویری واقع‌گرایانه و متوازن از خود ارائه دهد.

۴- تقویت شفافیت داخلی و اصلاحات ضد فساد

یکی از مهم‌ترین اقداماتی که می‌تواند در کاهش تأثیرات منفی روایت‌های رسانه‌ای نقش‌آفرینی کند، تقویت شفافیت و مسئولیت‌پذیری داخلی است. از این رو، ایران باید بر اجرای اصلاحات حقوقی و تقویت نظارت‌های داخلی به‌ویژه در بخش‌های دولتی و خصوصی تأکید کند. این اصلاحات می‌تواند موجب بهبود تصویر حقوقی ایران در سطح بین‌المللی شده و مقاومت در برابر فشارهای رسانه‌ای را افزایش دهد.

۵- حمایت از رسانه‌های مستقل و نهادهای حقوقی بین‌المللی

ایران باید در کنار تقویت رسانه‌های داخلی، از رسانه‌های آزاد و مستقل که به‌طور واقع‌گرایانه وضعیت کشور را به تصویر می‌کشند، حمایت کند. در عین حال، همکاری مؤثر با نهادهای حقوقی بین‌المللی برای مستندسازی و گزارش‌دهی اقدامات حقوقی و حقوق بشری ایران نیز از



اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این اقدامات نه تنها به اصلاح تصویر جهانی از ایران کمک می‌کند، بلکه به تقویت دفاعیات حقوقی ایران در محاکم بین‌المللی کمک خواهد کرد.

۶- گسترش همکاری‌های حقوقی و مستندسازی اقدامات ایران در عرصه بین‌المللی
ایران باید با گسترش همکاری‌های حقوقی با نهادهای بین‌المللی، به‌ویژه در زمینه حقوق بشر و حقوق بین‌الملل اقتصادی، زمینه را برای مستندسازی و اثبات شفاف اقدامات کشور در این حوزه‌ها فراهم آورد. این همکاری‌ها به‌ویژه در پرونده‌های مربوط به نقض حقوق بشر، تروریسم، و فساد اقتصادی می‌تواند به مقابله با اتهامات بی‌اساس رسانه‌ای و فشارهای سیاسی بین‌المللی کمک کند.

۷- ایجاد توازن میان مدیریت رسانه‌ای و احترام به آزادی بیان

دولت باید در راستای مدیریت رسانه‌ای و مقابله با رسانه‌های تحریف‌کننده محتوا، رویکردی مبتنی بر اصول آزادی بیان و حفظ استقلال رسانه‌ها در داخل کشور اتخاذ کند. این توازن میان حمایت از رسانه‌های مستقل و نظارت قانونی بر محتوای رسانه‌ای موجب خواهد شد تا دولت به‌طور مؤثر قادر به مقابله با چالش‌های خارجی باشد، بدون آنکه آزادی بیان و حق تنوع رسانه‌ای در داخل کشور به خطر بیفتد.

تقدیر و تشکر

این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول، با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم است. از تمامی اساتید که در نگارش رساله کمک کردند، بالاخص آقایان دکتر یوسف خرم فرهادی و دکتر امیر هوشنگ فتحی‌زاده که با راهنمایی‌ها، توصیه‌ها و انگیزه‌بخشی لازم، موجبات افزایش بار علمی و غنای این تحقیق را مهیا نموده، تشکر می‌کنم.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کند هیچ تضاد منافی در مورد انتشار پژوهش ثبت شده وجود ندارد. برای مقاله حاضر موارد اخلاقی از جمله سرقت ادبی، رفتار نادرست، جعل‌های داده‌ها و انتشار مضاعف به‌طور کامل توسط نویسندگان رعایت شده است.

فهرست منابع

برزگرزاده، ع. (۱۴۰۱). دکتربین دست‌های پاک با تاکید بر اختلاف ایران و آمریکا در قضیه مصادره اموال. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۱(۱۵)، ۷-۲۵.

<https://www.magiran.com/author/۴۶۲۲۳۱>

تفنگ‌چی، س.، و کاظمی، ه. (۱۳۹۶). تحلیل گفتمان انتقادی سیاست‌های رسانه‌ای بی‌بی‌سی فارسی (مطالعه موردی: برنامه صفحه ۲ آخر هفته). مطالعات رسانه‌ای، ۱۲(۳۶-۳۷)، ۶۵-۷۶.

<https://www.sid.ir/paper/۲۱۲۰۷۹/fa>

زمانی، ق.، و بزار، و. (۱۳۹۹). دکتربین «دست‌های پاک» در حقوق بین‌الملل و بررسی تطبیقی آن با «مشارکت زیان‌دیده در خسارت». نشریه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲۴(۱)، ۱-۳۰.

<https://ensani.ir/fa/article/۴۲۸۰۴۹>

طاهرخانی، ف. (۱۴۰۳). تحلیل بازنمایی رسانه‌ای از مواجهه ایالات متحده آمریکا با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران (با تاکید بر تحلیل محتوای اخبار بی‌بی‌سی فارسی و ایران اینترنشنال ۱۳۹۸-۱۴۰۱ ه.ش). نشریه مطالعات راهبردی آمریکا، ۱(۴)، ۱۱۳-۱۴۱.

<https://www.magiran.com/p۲۸۲۸۷۱۸>

قربی، م.ج. (۱۳۹۰). رسانه، ابزار جنگ نرم: مطالعه موردی جنگ رسانه‌ای علیه ایران. مطالعات عملیات روانی، ۳(۳۰)، ۱۴۴-۱۷۵.

<https://www.magiran.com/paper/۱۱۰۹۹۱۳>

معتمدی، ب. (۱۴۰۳). تحلیل تطبیقی پوشش خبری حملات موشکی ایران و پاکستان: مطالعه موردی خبرگزاری فارس، خبر فوری، بی‌بی‌سی فارسی و ایران اینترنشنال. پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، ۱(۱)، ۱۱-.

<https://www.magiran.com/volume/235918>

Barzegarzadeh, A. (2022). The Clean Hands Doctrine with Emphasis on the Dispute Between Iran and the US in the Case of Confiscation of Assets. *International Relations Studies*, 15(1), 9–33. <https://www.magiran.com/author/462231/> [In Persian]

Basaran, H. R. (2025). The clean hands doctrine in international law. *The Lawyer Quarterly*, 15(3), 403–416. <https://tlq.ilaw.cas.cz/index.php/tlq/article/view/661>

Castro, E. (2025). Clarifying the clean hands doctrine under general international law. *Journal of International Dispute Settlement*, 16(3).

<https://doi.org/10.1093/jnlids/idaf030>

Cervantes Valarezo, A. A. (2018). The “clean hands” doctrine in investment arbitration and its applicability to the Ecuadorian legal system. *Iuris Dictio*, 22(22). <https://doi.org/10.18272/iu.v22i22.1133>

- Cervantes Valarezo, A. A. (2020). The “clean hands” doctrine in investment arbitration and its applicability to the Ecuadorian legal system. *Revista Ius et Veritas*, 22(22), 1133. <https://doi.org/10.18272/iu.v22i22.1133>
- Dragomir, M. (2021). The state of state media: A global analysis of the editorial independence of state media and an introduction of a new state media typology. Center for Media, Data & Society (CMDS). <https://doi.org/10.13140/RG.2.2.33500.72321>
- Dumberry, P. (2016). *State of confusion: The doctrine of ‘clean hands’ in investment arbitration after the Yukos award*. *The Journal of World Investment & Trade*, 17(2), 229–259. <https://doi.org/10.1163/22119000-01702002>
- Dumberry, P. (2020). *The Clean Hands doctrine as a general principle of international law*. *The Journal of World Investment & Trade*, 21(4), 489–527. <https://doi.org/10.1163/22119000-12340182>
- Ganjian, M., & Zannuddin, H. (2018). The role of BBC in Iran’s politics: From the Shah to Khamenei. *Iran Çalışmaları Dergisi*, 2(2), 63–82. <https://doi.org/10.33201/iranian.476828>
- Ghorbi, S. M. J. (2011). Media, Tool of Soft War; Case Study of Media War Against Iran. *Psychological Operations Studies*, 8(30), 144–175. <https://www.magiran.com/paper/1109913/> [In Persian]
- Hanych, M., Smekal, H., & Benák, J. (2023). The influence of public opinion and media on judicial decision-making: Elite judges’ perceptions and strategies. *International Journal for Court Administration*, 14(3), Article 528. <https://doi.org/10.36745/ijca.528>
- Kindred, B. (2024). The ICJ’s judgment in Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America). *European Investment Law and Arbitration Review Online*, 8(1), 263–280. https://doi.org/10.1163/24689017_0801013
- Motamedi, B. (2024). Comparative Analysis of News Coverage of Iran-Pakistan Missile Attacks: A Case Study of Fars News Agency, Khabar Foori, BBC Persian and Iran International. *International Media*, 9(1), 11–39. <https://www.magiran.com/volume/235918> [In Persian]
- Permanent Court of Arbitration. (2017). *Bank Melli Iran and Bank Saderat Iran v. The Kingdom of Bahrain* (PCA Case No. 2017-25). Retrieved from <https://pca-cpa.org/fr/cases/163/>
- Refakar, M., & Gueyie, J.-P. (2021). Media corruption perceptions and US foreign direct investment. *Journal of Media Economics*, 33(1–2), 13–29. <https://doi.org/10.1080/08997764.2021.1906689>
- Santoso, B. (2024). The role of social media in contemporary political influence. *International Journal of Education, Information Technology, and Others*, 7(2), 248–256. <https://doi.org/10.5281/zenodo.11195052>
- Selvarajah, S., & Fiorito, L. (2023). Media, public opinion, and the ICC in the Russia–Ukraine War. *Journalism and Media*, 4(3), 760–789. <https://doi.org/10.3390/journalmedia4030048>

- Taherkhani, F. (2024). Analysis of Media Representation of the US Confrontation with the Nuclear Program of the Islamic Republic of Iran (Emphasizing the Content Analysis of BBC Persian and Iran International News 2019-2022). *American Strategic Studies*, 4(13), 113-141. <https://www.magiran.com/p2828718> [In Persian]
- Tofangchi, S., & Kazemi, H. (2017). Critical Discourse Analysis of BBC Persian Media Policies (Case Study: Weekend P2 Program). *Media Studies*, 12(36-37), 65-76. <https://www.sid.ir/paper/212079/fa> [In Persian]
- Yan, Y. (2024). *Corruption and the (Un)Clean Hands Doctrine in Investor-State Arbitration: Definitional and Reciprocity Challenges*. *ICSID Review — Foreign Investment Law Journal*, 39(1), 61-73. <https://doi.org/10.1093/icsidreview/siae006>
- Zamani, G., & Bazzar, V. (2020). The Doctrine of “Clean Hands” in International Law and Its Comparative Study with “Contributory Negligence”. *Comparative Law Researches*, 24(1), 1-30. <https://ensani.ir/fa/article/428049> [In Persian].

